

خلاصه‌ای از واقعه غدیر

اعلان عمومی برای سفر حج

در سال دهم هجرت، به دستور الهی، آخرین سفر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به مکه برای تعلیم حج و اعلام ولایت ائمه (علیهم السلام) آغاز شد. در این سفر بیش از یکصد و بیست هزار نفر آن حضرت را همراهی کردند که در شرایط آن زمان سابقه نداشت.

بلافاصله پس از پایان مراسم حج، اعلام شد همه حجاج از مکه خارج شوند و برای برنامه ای مهم در غدیر خم - که کمی قبل از محل جدا شدن کاروان ها بود - حضور یابند.

سه روز پس از پایان مراسم حج، سیل جمعیت به سوی غدیر حرکت کردند.

اجتماع عظیم در غدیر

با رسیدن به محل موعود، فرمان توقف از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) صادر شد و مرکب ها از حرکت ایستادند و مردم پیاده شدند و هر کس جایی برای توقف سه روزه آماده کرد.

به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله)، سلمان و ابوذر و مقداد و عمار زیر چند درخت کهنسال را آماده کردند و روی درختان، پارچه ای به عنوان سایبان قرار دادند. در زیر سایبان، منبری به بلندی قامت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سنگ ها و روانداز شتران ساختند به طوری که حضرت هنگام خطبه بر همه مردم مشرف باشند.

هنگام ظهر، پس از ادا نماز جماعت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر فراز منبر ایستادند و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را فرا خواندند تا بر فراز منبر در سمت راست حضرت بایستند. قبل از شروع خطابه، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر فراز منبر يك پله پائین تر در طرف راست آن حضرت ایستاده بودند.

سخنرانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

پیامبر اکرم نگاهی به سمت راست و چپ جمعیت نمودند و منتظر شدند تا همه مردم در مقابل منبر اجتماع کنند. سپس سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند. با نظر گرفتن این شکل خاص از منبر و سخنرانی که دو نفر بر فراز منبر در حال قیام دیده می شوند به استقبال سخنان حضرت می رویم که آن را می توان در یازده بخش ترسیم نمود:

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در اولین بخش سخن به حمد و ثنای الهی پرداختند و صفات قدرت و رحمت خداوند را ذکر فرمودند، و به بندگی خود در مقابل ذات الهی شهادت دادند.

در بخش دوم، حضرت سخن را متوجه مطلب اصلی نمودند و تصریح کردند که باید فرمان مهمی درباره علی بن ابی طالب علیه السلام ابلاغ کنم، و اگر این پیام را نرسانم رسالت الهی را نرسانده ام و ترس از عذاب او دارم.

در سومین بخش، حضرت امامت دوازده امام (علیهم السلام) را تا آخرین روز دنیا اعلام نمودند تا همه طمع ها یکباره قطع شود. از نکات مهم در سخنرانی حضرت، اشاره به عمومیت ولایت آنان بر همه انسان ها در طول زمان ها و در همه مکان ها و نفوذ کلماتشان در جمیع امور بود، و نیابت تام ائمه (علیهم السلام) را از خدا و رسول در حلال و حرام و جمیع اختیارات اعلام فرمودند.

برای آن که هرگونه ابهامی از بین برود و دست منافقین از هر جهت بسته باشد، در بخش چهارم خطبه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دست های مبارک بازوان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را گرفتند و آن حضرت را از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوان پیامبر قرار گرفت. در این حال فرمودند: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله»؛ «هر کس من نسبت به او از خودش صاحب اختیارتر بوده ام این علی هم نسبت به او صاحب اختیارتر است. خدایا دوست بدار هر کس علی را دوست بدارد، و دشمن بدار هر کس او را دشمن بدارد، و یاری کن هر کس او را یاری کند، و خوار کن هر کس او را خوار کند.»

سپس کمال دین و تمام نعمت را با ولایت ائمه (علیهم السلام) اعلام فرمودند و بعد از آن خدا و ملائکه و مردم را بر ابلاغ این رسالت شاهد گرفتند.

در بخش پنجم حضرت صریحاً فرمودند: «هر کس از ولایت ائمه (علیهم السلام) سر باز زند اعمال نیکش سقوط می کند و در جهنم خواهد بود.» بعد از آن شمه ای از فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را متذکر شدند.

مرحله ششم از سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) جنبه غضب الهی را نمودار کرد. حضرت با تلاوت آیات عذاب و لعن از قرآن فرمودند: «منظور از این آیات عده ای از اصحاب من هستند که مأمور به چشم پوشی از آنان هستم، ولی بدانند که خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصرین حجت قرار داده است، و چشم پوشی از آنان در دنیا مانع از عذاب آخرت نیست.»

سپس به پیشوایان گمراهی که مردم را به جهنم می کشانند اشاره کرده فرمودند: «من از همه آنان بیزارم.» اشاره ای رمزی هم به «اصحاب صحیفه ملعونه» داشتند و تصریح کردند که بعد از من مقام امامت را غصب می کنند و سپس غاصبین را لعنت کردند.

در بخش هفتم، حضرت تکیه سخن را بر اثرات ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) قرار دادند و فرمودند: «اصحاب صراط مستقیم در سوره حمد شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) هستند.»

سپس آیاتی از قرآن درباره اهل بهشت تلاوت کردند و آنها را به شیعیان و پیروان آل محمد (علیهم السلام) تفسیر فرمودند. آیاتی هم درباره اهل جهنم تلاوت نمودند و آنها را به دشمنان آل محمد (علیهم السلام) معنی کردند.

در بخش هشتم مطالبی اساسی درباره حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن المهدی (ارواحنا فداه) فرمودند و به اوصاف و شئون خاص حضرتش اشاره کردند و آینده ای پر از عدل و داد به دست امام زمان عجل الله فرجه را به جهانیان مژده دادند.

در بخش نهم فرمودند: پس از اتمام خطابه شما را به بیعت با خودم و سپس بیعت با علی بن ابی طالب (علیه السلام) دعوت می کنم. پشتوانه این بیعت آن است که من با خداوند بیعت کرده ام، و علی هم با من بیعت نموده است. پس از این بیعتی که از شما می گیرم از طرف خداوند و بیعت با حق تعالی است.

در دهمین بخش، حضرت درباره احکام الهی سخن گفتند که مقصود بیان چند پایه مهم عقیدتی بود: از جمله این که چون بیان همه حلال ها و حرام ها توسط من امکان ندارد با بیعتی که از شما درباره ائمه (علیهم السلام)

می‌گیرم به نوعی حلال و حرام را تا روز قیامت بیان کرده‌ام. دیگر این که بالاترین امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغ پیام غدیر درباره امامان (علیهم السلام) و امر به اطاعت از ایشان و نهی از مخالفتشان است.

در آخرین مرحله خطابه، بیعت لسانی انجام شد. حضرت با توجه به آن جمعیت انبوه و شرایط غیر عادی زمان و مکان و عدم امکان بیعت با دست برای همه مردم، فرمودند: «خداوند دستور داده تا قبل از بیعت با دست، از زبان های شما اقرار بگیرم.»

سپس مطلبی را که می‌بایست همه مردم به آن اقرار می‌کردند تعیین کردند که خلاصه آن اطاعت از دوازده امام (علیهم السلام) و عهد و پیمان بر عدم تغییر و تبدیل و بر رساندن پیام غدیر به نسل های آینده و غائبان از غدیر بود. در ضمن بیعت با دست هم حساب می‌شد زیرا حضرت فرمودند: «بگوئید با جان و زبان و دستان بیعت می‌کنیم.»

بیعت عمومی

پس از اتمام خطابه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دو خیمه بر پا شد که در یکی خود آن حضرت و در دیگری امیرالمؤمنین (علیه السلام)، جلوس فرمودند. مردم دسته دسته وارد خیمه حضرت می‌شدند و پس از بیعت و تبریک، در خیمه امیرالمؤمنین (علیه السلام) حضور می‌یافتند و با آن حضرت بیعت می‌کردند و تبریک می‌گفتند.

زنان نیز، با اقرار دادن ظرف آبی که پرده ای در وسط آن بود بیعت نمودند. به این صورت که امیرالمؤمنین (علیه السلام) دست مبارک را در یک سوی پرده داخل آب قرار می‌دادند و در سوی دیگر زنان دست خود را در آب قرار می‌دادند.

وقایع سه روز در غدیر

در طول سه روز توقف در غدیر، پس از ایراد خطابه چند جریان به عنوان تأکید و به نشانه اهمیت غدیر به وقوع پیوست که شرح آن چنین است:

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این مراسم، عمامه خود را - که «سحاب» نام داشت به عنوان افتخار بر سر امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرار دادند.

حسان بن ثابت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) درخواست کرد تا در مورد غدیر شعری بگوید، و با اجازه حضرت اولین شعر غدیر را سرود.

جبرئیل علیه السلام به صورت انسانی ظاهر شد و خطاب به مردم فرمود: «پیامبر برای علی بن ابی طالب عهد و پیمانی گرفت که جز کافر به خدا و رسولش آن را بر هم نمی‌زند.»

مردی از منافقین گفت: «خدایا اگر آنچه محمد می‌گوید از طرف توست سنگی از آسمان بر ما بیار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست.» در همین لحظه سنگی از آسمان بر سر او فرود آمد و او را هلاک کرد، و این معجزه غدیر تأیید الهی را بر همگان روشن کرد.

پس از سه روز مراسم پر شور غدیر پایان یافت، و آن روزها به عنوان «ایام الولاية» در صفحات تاریخ نقش بست. مردم پس از وداع با پیامبرشان و معرفت کامل به جانشینان آن حضرت تا روز قیامت، راهی شهر و دیار خود شدند. خبر واقعه غدیر در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و خداوند بدینگونه حجتش را بر همه مردم تمام کرد.

چگونگی بیعت مردان

با پایان یافتن خطابه پیامبر اکرم، مردم به سوی پیامبر (صلي الله عليه و آله) و امیر المؤمنین (علیه السلام) هجوم آوردند، و با ایشان به عنوان بیعت دست می دادند و تبریک و تهنیت می گفتند.

پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) دستور دادند تا دو خیمه بر پا شود. در یکی خود نشستند و به امیر المؤمنین (علیه السلام) دستور دادند تا در خیمه دیگر بنشینند. مردم دسته دسته در خیمه پیامبر (صلي الله عليه و آله) حضور می یافتند و پس از بیعت و تبریک به خیمه امیر المؤمنین (علیه السلام) می آمدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبرشان با حضرتش بیعت می کردند و با لقب «امیر المؤمنین» بر آن حضرت سلام می کردند، و این مقام والا را تبریک و تهنیت می گفتند. برنامه بیعت و تهنیت تا سه روز ادامه داشت و حضرت این مدت را در منطقه غدیر اقامت داشتند.

مسئله جالب در این بیعت آن است که کسانی که در غدیر پیش از همه با امیر المؤمنین بیعت نمودند و خود را از دیگران جلو انداختند؛ زودتر از همه بیعت خود را شکستند و پیمان خود را زیر پا گذاشتند.

در تاریخ آمده که خلیفه دوم بعد از بیعت، این کلمات را بر زبان می راند: «افتخار برایت باد، گوارایت باد، ای پسر ابی طالب! خوشا به حالت ای ابالحسن، اکنون مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده ای»!!!

چگونگی بیعت زنان با امیر المؤمنین

از طرف دیگر، پیامبر (صلي الله عليه و آله) دستور دادند تا ظرف آبی آورده و پرده ای بر روی آن زدند. امیر المؤمنین (علیه السلام) دست خود را در ظرف آب نهاده و زنان در سوی دیگر پرده با قرار دادن دست خود در ظرف آب، با آن حضرت بیعت کردند.

یادآوری می شود که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) در غدیر حضور داشتند، و کلیه همسران پیامبر (صلي الله عليه و آله) نیز در آن مراسم حاضر بودند.

عمامه سحاب پیامبر

در این مراسم، پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیر المؤمنین (علیه السلام) گذاشتند و انتهای عمامه را از پشت سر بر دوش آن حضرت قرار دادند.

شعر غدیر

در مراسم پر شور غدیر، حسان بن ثابت از پیامبر اکرم (صلي الله عليه و آله) اجازه خواست تا به مناسبت این واقعه عظیم شعری درباره امیر المؤمنین حضرت علی (علیه السلام) بسراید.

حضرت فرمودند: بگو به برکت خداوند.

حسان در جای بلندی قرار گرفت و گفت: «ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر (صلي الله عليه و آله) گوش کنید.» سپس اشعاری را که همانجا سروده بود خواند که به عنوان يك سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند.

جبرئیل در غدیر

اتمام حجت دیگر این بود که مردی زیباروی در کنار مردم می گفت:

«به خدا قسم روزی مانند این روز هرگز ندیدم. چقدر کار پسر عمویش را محکم نمود! برای او پیمانی بست که جز کافر به خدا و رسولش آن را بر هم نمی زند. وای بر کسی که پیمان او را بشکند.»

عمر نزد پیامبر (صلي الله عليه و آله) آمد و گفت: شنیدی این مرد چه می گفت؟! حضرت فرمودند: او را شناختی؟ گفت: نه. حضرت فرمودند:

«او روح الامین جبرئیل بود. تو مواظب باش این پیمان را نشکنی. اگر چنین کنی خدا و رسول و ملائکه و مؤمنان از تو بیزار خواهند بود!»

معجزه غدیر

امضای الهی بر غدیر، معجزه ای بود که پس از اعلام ولایت توسط پیامبر (صلي الله عليه و آله) به وقوع پیوست. حارث فهری نزد حضرت آمد و معترضان پرسید: آیا این ولایت که امروز اعلام کردی از جانب خدا بود؟ پیامبر (صلي الله عليه و آله) فرمود: آری از جانب خدا بود.

در اینجا حارث خطاب به خداوند گفت: «خدایا! اگر آنچه محمد می گوید حق و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست!!»

همین که سخن حارث تمام شد و به راه افتاد، خداوند سنگی از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد و از پشتش خارج گردید و همانجا او را هلاک کرد.

با این معجزه، بار دیگر بر همگان مسلم شد که «غدیر» از منبع وحی سرچشمه گرفته و فرمان الهی است و منکرین آن مستحق عذاب اند.

پایان مراسم غدیر

پس از سه روز، مراسم غدیر پایان پذیرفت و آن روزها به عنوان «ایام الولایة» در ذهن ها نقش بست. گروه ها و قبائل عرب، پس از وداع با پیامبر (صلي الله عليه و آله) و معرفت کامل به جانشین آن حضرت راهی شهر و دیار خود شدند و پیامبر (صلي الله عليه و آله) عازم مدینه گردیدند.

خبر واقعه غدیر در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید، و بدینگونه خداوند حجتش را بر مردم تمام کرد.

اتمام حجت جهانی در غدیر

جا داشت بیش از یکصد و بیست هزار نفر حاضر در غدیر، هر يك به سهم خود خطبه غدیر را حفظ کنند و متن آن را در اختیار فرزندان و فامیل و دوستان خود قرار دهند.

البته فضای جامعه مسلمین پس از رحلت پیامبر (صلي الله عليه و آله) - که گفتن و نوشتن معارف و سنن پیامبر که سال های متمادی در آن ممنوع بود - سبب شد که مردم نتوانند سخنان سرنوشت ساز پیامبر دلسوزشان در آن مقطع حساس را بازگو کنند و در فکر اجرای آن در عینیت جامعه باشند. پیداست که مطرح کردن غدیر مساوی با برچیدن بساط غاصبین خلافت بود، و آنان هرگز اجازه چنین کاری را نمی دادند.

اما غدیر، به صورتی در سینه ها جای گرفت که عده زیادی خطابه غدیر یا قسمتی از آن را حفظ کردند و برای نسل های آینده به یادگار گذاشتند، و هیچ کس را قدرت منع از انتشار چنین خبر مهمی نبود. لذا بین اکثریت مسلمین، هیچ حدیثی به اندازه «حدیث غدیر» روایت کننده ندارد، و گذشته از تواتر آن، از نظر رجال و درایت فوق العاده است.

پیامبر (صلي الله عليه و آله) با توجه به آینده بلندمدت دین الهی تا آخرین روز دنیا و دامنه وسیع مسلمین در حد جهانی، جانشینان خود تا روز قیامت را در این خطابه رسمی به جهانیان معرفی فرمودند.

اگر گروه هایی از مسلمین در طول زمان ها همچنان در مقابل جانشینان حقیقی پیامبرشان سر تعظیم فرود نیاورده و نمی آورند، ولی جمع عظیم شیعیان در طول تاریخ، فقط علی بن ابی طالب و یازده امام (علیهم السلام) از فرزندان او را جانشینان پیامبر (صلي الله عليه و آله) می دانند.

اگر اجتماع آن روز مسلمین، خلافت بلافصل امیر المؤمنین (علیه السلام) را در مرحله عمل ندیدند، ولی بسیاری از نسل های بعدی مسلمانان وصی واقعی پیامبرشان را شناختند که این بالاترین هدف از «غدیر» بود.

اللهم العن الجبت الطاغوت
wWw.Alamdar.Blogfa.com